





دانشکده الهیات و معارف شهید مطهری

رساله دکتری

فقه و مبانی حقوق اسلامی

عرصه‌های تزاحم در فقه سیاسی و رویکرد فقیهان امامیه در علاج آن
(حوزه تحقیق: موضوعات مکاسب محرمه)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد تقی فخلعی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سیدمحمدتقی قبولی درافشان

دانشجو

بشری عبدخدایی

۱۳۹۸

تقدیر و تشکر

خداوند را شاکرم که توفیق قدم گذاردن در راه درک معارف قرآن و سیره و کلام اهل بیت (ع) را به من عنایت فرمود.

در ابتدا لازم می‌دانم از استاد بزرگوار خویش جناب آقای دکتر محمدتقی فخلعی کمال قدردانی و سپاس‌گزاری را داشته باشم که در این رساله فوق حد یک استاد راهنما برای ارتقای کیفیت مطالب وقت صرف کرده و مرا یاری رسانده‌اند. از ایشان تشکر نموده و از خداوند توفیقات روزافزون را برای ایشان مسئلت دارم.

هم‌چنین از استاد محترم جناب آقای دکتر سیدمحمدتقی قبولی درافشان نیز کمال تشکر را دارم که با حسن نظر به اینجانب، قبول زحمت نموده و مشاوره این پایان‌نامه را پذیرفتند و من را از راهنمایی‌های خویش بهره‌مند ساختند.

در ادامه لازم می‌دانم از زحمات پدر و مادر مهربانم - جناب آقای دکتر محمد سعید عبدخدایی و سرکار خانم سیده انسیه گوهرشادی - قدردانی کنم که از کودکی با کلام و رفتار خویش حلاوت تعلم را به من چشانده و در این مسیر همواره یار و پشتیبان من بوده‌اند.

هم‌چنین از همسر عزیزم جناب آقای دکتر محمدحسن فرشیدی نیز سپاس گزارم که صبورانه در راه تدوین رساله مرا یاری و همراهی کردند.

هم‌چنین از پدربزرگ مهربان و بزرگوارم - حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمدهادی عبدخدایی - کمال تشکر را دارم که وقت خود را جهت راهنمایی این رساله صرف کردند و مرا در درک بهتر مفاهیم دینی یاری رساندند. نیز از عموی عزیزم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر مجتبی عبدخدایی نیز قدردانم که با دقت نظر و تخصص خود نکاتی را جهت ارتقای مطالب رساله به بنده ارزانی داشتند.

و در پایان این اثر را به دستان کوچک فرزندم - محمدحسین - تقدیم می‌کنم که وجودش نعمت بزرگ مادری را به من هدیه داد...



بسمه تعالی
مشخصات رساله تحصیلی دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله: عرصه‌های تراحم در فقه سیاسی و رویکرد فقیهان امامیه در علاج آن (حوزه تحقیق: موضوعات مکاسب محرمه)

نام نویسنده: بشری عبدخدایی

نام استاد راهنما: دکتر محمدتقی فخلعی

نام استاد مشاور: دکتر سیدمحمدتقی قبولی درافشان

رشته تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی	گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۶	تاریخ دفاع: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ○ دکتری ●	تعداد صفحات: ۳۱۰	

چکیده رساله:

نوشتار حاضر عرصه‌های تراحم در فقه سیاسی را به‌عنوان یکی از موضوعات چالش برانگیز این شاخه از فقه، مورد بررسی قرار داده‌است. در این راستا مسائلی که حیثیت سیاسی دارند از میان موضوعات فقهی انتخاب شده و با استفاده از رویکردهای فقیهان نسبت به آن، ضوابطی در جهت شناسایی و علاج تراحم استخراج گردیده‌است. حوزه تحقیق، موضوعات مکاسب محرمه انتخاب شده‌است زیرا بنابر بررسی‌های انجام شده، بسیاری از دیدگاه‌های سیاسی فقه شیعه در خلال مباحث معاملات مطرح گردیده‌است. در این راستا مسائلی چون حرمت بیع سلاح به اعداء دین، حرمت حفظ کتب ضاله، حرمت ولایت پذیری حاکم جائر و غیبت به عنوان موضوعاتی با حیثیت سیاسی که زمینه‌های تراحم در آن وجود دارد، واکاری شده‌است. ضوابط شناسایی تراحم (عوامل مؤثر در شناسایی زمینه‌های تراحم) عبارت است از: لزوم تحلیل مصلحت محور مسائل فقه سیاسی، تحلیل ادله با نظارت مقاصد شریعت، لزوم تفکیک عناوین ثانوی از عرصه‌های تراحم و توجه به عمومیت ادله. هم‌چنین دو ضابطه در راستای علاج تراحم از رویکردهای فقیهان به‌دست آمده‌است که عبارت است از: لزوم رتبه‌بندی مقاصد شریعت و بهره‌گیری از حکم عقل. این موارد در فصل سوم به تفصیل بررسی و تحلیل گردیده‌است. به‌عنوان نتیجه می‌توان رویکرد فقیهان را در ضابطه‌بندی به معیار اهم در علاج تراحم به چند دسته تقسیم کرد: رویکرد متکی به نصوص، رویکرد متکی به امور مهمه و رویکرد متکی به نصوص با نظارت مقاصد شریعت که به‌عنوان کامل‌ترین رویکرد می‌توان مورد توجه قرار داد.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
تاریخ	تراحم، فقه سیاسی، مکاسب محرمه، معیار اهم

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. تعریف مسئله	۱
۲. ضرورت تحقیق	۷
۳. پرسش‌های اصلی	۸
۴. پرسش‌های فرعی	۸
۵. فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق	۸
۶. روش تحقیق	۹
۷. پیشینه تحقیق	۱۰
۸. فصل‌بندی و ساختار اجمالی	۱۱
فصل اول: کلیات	۱۵
مبحث اول: دیدگاه‌های اصولی و فقهی در باب تزاحم	۱۵
گفتار اول: تعریف تزاحم	۱۵
گفتار دوم: تفاوت تعارض و تزاحم	۱۶
گفتار سوم: تزاحم امثالی، ملاکی و حفظی	۱۸
گفتار چهارم: مرجحات باب تزاحم	۲۱
گفتار پنجم: نسبت میزان اهمیت دو حکم متزاحم	۲۴

گفتار ششم: ملاکهای اهم در شرع	۲۶
مبحث دوم: کلیات فقه سیاسی	۲۸
گفتار اول: موضوع شناسی فقه سیاسی	۲۸
۱. تعریف فقه سیاسی	۲۸
۲. رابطه فقه و فقه سیاسی	۲۹
۳. رابطه فقه سیاسی و فقه حکومتی	۳۰
۴. رابطه فقه سیاسی و علوم سیاسی	۳۱
۵. گستره موضوعات فقه سیاسی	۳۳
گفتار دوم: پیشینه شناسی فقه سیاسی	۳۷
۱. بررسی پیشینه بر اساس بینش فقیهان	۳۷
۲. بررسی پیشینه بر اساس دولتهای شیعه	۳۹
گفتار سوم: منبع شناسی فقه سیاسی	۴۱
۱. فقه سیاسی و منابع اجتهاد	۴۲
۲. تحولات در اجتهاد فقه سیاسی	۴۴
گفتار چهارم: چالش های فقه سیاسی	۴۷
۱. حدود انتظارات از فقه سیاسی	۴۷
۲. نظریه پردازی در فقه سیاسی	۵۲
مبحث سوم: ارتباط فقه سیاسی با موضوعات مکاسب محرمه	۵۳
گفتار اول: جایگاه موضوعات مکاسب محرمه در فقه	۵۳

۱. مفهوم مکاسب محرمه ۵۴
۲. پیشینه فقهی موضوعات مکاسب محرمه ۵۵
- گفتار دوم: ظرفیت‌های فقه سیاسی در موضوعات مکاسب محرمه ۵۶
۱. ظرفیت شناخت قواعد فقه سیاسی در موضوعات مکاسب محرمه ۵۷
۲. ظرفیت مسائل فقه سیاسی در موضوعات مکاسب محرمه ۶۶
۳. ظرفیت منابع اجتهاد در فقه سیاسی در موضوعات مکاسب محرمه ۷۰
- فصل دوم: شناسایی عرصه‌های تراحم در مسائل فقه سیاسی (موضوعات مکاسب محرمه) ۷۷
- *مبحث اول: بیع سلاح به دشمنان دین ۷۸
- گفتار اول: واژگان بحث ۷۸
۱. بیع ۷۸
۲. سلاح ۸۰
۳. دشمنان (اعداء) دین ۸۱
- گفتار دوم: پیشینه بحث بیع سلاح به دشمنان دین (دیدگاه‌های فقها) ۸۳
- گفتار سوم: بررسی ادله حرمت بیع سلاح در راستای شناسایی عرصه‌های تراحم ۸۴
۱. نصوص ۸۵
۲. حکم عقل ۸۸
- گفتار سوم: روش‌های فقهی در استنباط از ادله بیع سلاح به دشمنان دین ۸۸
۱. جمع میان ادله متنی ۸۹
۲. جمع ادله متنی با توجه به شرایط صدور روایات ۹۱

۳. تفسیر ادله در پرتوی حکم عقل و مصلحت ۹۳
- گفتار چهارم: تحلیل روشهای استنباط فقهی در شناخت عرصه‌های تراحم (حرمت بیع سلاح به دشمنان دین) ۹۵
- *مبحث دوم: حرمت حفظ کتب ضلال ۱۰۰
- گفتار اول: واژگان بحث ۱۰۰
۱. حفظ ۱۰۰
۲. کتب ضاله ۱۰۱
- گفتار دوم: دیدگاه‌های فقها ۱۰۲
- گفتار سوم: بررسی ادله حرمت حفظ کتب ضاله ۱۰۲
۱. قرآن: ۱۰۲
۲. روایات: ۱۰۴
۳. اجماع ۱۰۶
۴. حکم عقل ۱۰۷
۵. سایر نصوص (قواعد فقه) ۱۰۸
- گفتار چهارم: روش‌های فقهی در استنباط از ادله حفظ کتب ضلال ۱۰۹
۱. جمع میان ادله متنی ۱۰۹
۲. تفسیر ادله در پرتوی مقاصد شریعت و مصلحت ۱۱۰
- گفتار پنجم: تحلیل روش‌های استنباط فقهی در راستای شناخت تراحم (مسئله حفظ کتب ضاله) ۱۱۱
- مبحث سوم: کسب درآمد از طریق ولایت‌پذیری حاکم ظالم (جائر) ۱۱۵

- گفتار اول: واژگان بحث ۱۱۵
۱. ولایت پذیری ۱۱۵
۲. امام (حاکم) جائر ۱۱۶
- گفتار دوم: دیدگاه‌های فقها ۱۱۸
- گفتار سوم: ادله حرمت ولایت پذیری حاکم جائر ۱۱۹
۱. قرآن ۱۱۹
۲. روایات ۱۱۹
۳. اجماع ۱۲۸
- گفتار چهارم: روش‌های فقهی در استنباط از ادله ولایت پذیری حاکم جائر ۱۲۸
۱. جمع میان ادله متنی ۱۲۹
۲. بازخوانی ادله متنی در پرتوی مقاصد شریعت و مصلحت ۱۳۳
- گفتار پنجم: تراحم در عرصه ولایت پذیری حاکم جائر ۱۳۶
۱. پذیرش تراحم ۱۳۷
۲. عدم پذیرش تراحم ۱۳۹
۳. محدودتر بودن دایره تراحم ۱۴۰
- گفتار ششم: انواع تراحم در بحث ولایت پذیری حاکم جائر ۱۴۵
- *مبحث چهارم: غیبت ۱۴۷
- گفتار اول: واژگان بحث ۱۴۷
- گفتار دوم: ادله حرمت غیبت ۱۴۸

۱۴۸	۱. قرآن.....
۱۴۹	۲. روایات.....
۱۵۲	۳. اجماع.....
۱۵۲	۴. حکم عقل.....
۱۵۲	گفتار سوم؛ عرصه‌های تراحم در غیبت.....
۱۵۲	۱. ملاک غیبت.....
۱۵۵	۲. نصیحت و خیرخواهی برای مؤمن.....
۱۵۹	*نتایج فصل دوم.....
۱۶۱	فصل سوم: تحلیل رویکرد فقیهان در شناسایی و علاج تراحم.....
۱۶۱	مبحث اول: ضوابط شناسایی تراحم در فقه سیاسی.....
۱۶۱	گفتار اول: تحلیل مصلحت محور مسائل فقه سیاسی.....
۱۶۱	۱. مفهوم شناسی مصلحت.....
۱۶۳	۲. بررسی ارتباط مصلحت با مفاهیم مشابه.....
۱۶۵	۳. انواع کاربردهای مصلحت در فقه.....
۱۷۴	۴. مراد از تحلیل مصلحت محور مسائل فقه سیاسی.....
۱۷۵	گفتار دوم: تحلیل ادله مسائل فقه سیاسی در پرتوی مقاصد شریعت.....
۱۷۶	۱. مفهوم شناسی مقاصد شریعت و واژگان مشابه.....
۱۸۲	۲. جایگاه سندی مقاصد شریعت.....
۱۸۷	۳. مصادیق مقاصد شریعت.....

۴. مراد از تحلیل ادله مسائل فقه سیاسی در پرتوی مقاصد شریعت ۱۸۹
- گفتار سوم: تفکیک عناوین ثانوی از احکام اولی ۱۹۰
۱. ماهیت احکام ثانوی ۱۹۰
۲. مصادیق عناوین ثانوی و ارتباط آن با تراحم ۱۹۲
۳. مقایسه عناوین ثانوی و عرصه‌های تراحم ۱۹۷
- گفتار چهارم: لزوم عمومیت ادله حکم در وقوع تراحم ۱۹۸
۱. تفصیل دیدگاه صاحب عروه ۱۹۹
۲. تحلیل و نتیجه‌گیری ضابطه ملاک عمومیت دلیل ۲۰۰
- مبحث دوم: ضوابط علاج تراحم (شناسایی معیار اهم بر مهم) ۲۰۱
- گفتار اول: مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در جهت تعیین جایگاه مقاصد شریعت ۲۰۱
۱. کتاب درآمدی بر فلسفه احکام ۲۰۱
۲. کتاب فقه و مصلحت ۲۰۵
- گفتار دوم: جایگاه مقاصد شریعت (رویکرد مختار) ۲۰۶
- ۱- مراحل لازم جهت بهره‌گیری از مقاصد شریعت و رتبه‌بندی آن در علاج تراحم (تبیین نظری) ۲۰۶
- ۲- بهره‌گیری از مقاصد شریعت و رتبه‌بندی آن در علاج تراحم (رویکرد عملی) ۲۱۰
- گفتار سوم: بهره‌گیری از حکم عقل ۲۴۸
- ۱- مفهوم حجیت حکم عقل ۲۴۸
- ۲- انواع مدرکات عقل ۲۵۰

۲۵۱	۳- بررسی فعالیت عقل نظری در صغری حکم عقلی
۲۵۲	۴- نقش عقل عملی در صغری حکم عقلی؛ درک حسن و قبح
۲۵۵	۵- مراد از حکم عقل در علاج تراحم
۲۵۵	مبحث سوم: تقسیم‌بندی رویکردهای فقهی در ضابطه‌مندی ملاکات در عرصه‌های تراحم
۲۵۶	گفتار اول: رویکرد متکی بر نصوص
۲۵۶	گفتار دوم: رویکرد متکی بر امور مهمه نزد شرع
۲۵۷	گفتار سوم: رویکرد متکی بر نصوص با نظارت عقل و مقاصد شریعت
۲۵۸	مبحث چهارم: بررسی عرصه‌های تراحم در نقشهای منطقه‌ای و برون‌مرزی حکومت اسلامی
۲۵۸	گفتار اول: بیان زمینه‌های تراحم
۲۶۰	گفتار دوم: مقاصد شریعت در بحث نقشهای برون‌مرزی حکومت اسلامی
۲۶۰	۱. عدالت
۲۶۶	۲. امنیت
۲۶۹	۳. حفظ نظام
۲۶۹	۴. حفظ دین و مذهب
۲۷۰	۵. نفی تقویت ظلم و کفر
۲۷۰	گفتار سوم: ارتباط دهی میان مقاصد شریعت در جهت علاج تراحم
۲۷۹	نتایج بحث
۲۸۹	کتابنامه

مقدمه

۱. تعریف مسئله

پژوهش مسئله‌محور به تحقیقی می‌گویند که درصدد پاسخ‌گویی به یک سؤال اصلی است. این سؤال از وجود یک مشکل حکایت دارد. در واقع پژوهش مسئله‌محور، در راستای حل مشکل از راه علمی و منطقی قدم بر می‌دارد و با ارائه فرضیه‌ها و آزمایش آن‌ها به پاسخ اطمینان‌بخش سؤال می‌رسد که در نهایت حل مسئله است.^۱ اولین گام شروع یک پژوهش مسئله‌محور، تعریف آن مسئله است؛ به این معنا که این مسئله از چه مشکل و چالشی پدید آمده است.

پس از این مقدمه کوتاه، در زمینه پژوهش پیش‌رو باید گفت به‌زعم نگارنده و به دنبال مطالعاتی که در چندین سال راجع به فقه سیاسی داشته‌ام، یکی از چالش‌ها و مشکلاتی که در مطالعات فقه سیاسی وجود دارد، آن است که تراحم میان احکام و قواعد فقه سیاسی با یکدیگر بسیار رخ می‌دهد (گاه حکم با حکم، قاعده با قاعده و یا قاعده با حکم در تراحم‌اند)؛ ولی معیارها و ضوابط روشنی برای شناسایی عرصه‌های تراحم و راه‌های علاج آن، وجود ندارد. این امر، موجب می‌شود در برخی مسائل فقه سیاسی، زمینه‌های انواع تراحم به درستی شناسایی و علاج نگردند که به سردرگمی و اختلاف آرا در مسائل می‌انجامد. نمونه این رویداد، ذیل برخی مسائل فقه سیاسی در کتاب‌های فقهی قابل پیگیری است. (این مسائل در فصل دوم رساله تفصیلاً بررسی شده است).

با توجه به این موضوع، در واقع مسئله ما، نبود ضوابط روشن در جهت شناسایی و علاج تراحم در مسائل فقه سیاسی است.

نوشتار حاضر دو گام اساسی را برای حل این مسئله در نظر گرفته است:

^۱. صابری، حسین، مهارت‌های تحقیق و مآخذشناسی علوم اسلامی، صص ۴۹-۵۰.

اول؛ تحلیل رویکردهای فقهی در شناسایی عرصه‌های تزامم در مسائل فقه سیاسی. این مهم با بررسی مسائلی که زمینه‌های تزامم در آن وجود دارد بررسی می‌گردد و ذیل آن تفاوت دیدگاه‌هایی که عرصه‌های تزامم را شناسایی کرده‌اند با دیدگاه‌هایی که نسبت به این زمینه‌ها بی‌توجه‌اند بیان می‌شود؛ زیرا یکی از مشکلاتی که در عرصه تزامم با آن مواجه هستیم آن است که آیا موارد استثنائی که در یک مسئله فقهی وجود دارد به سبب تزامم احکام فقهی با یکدیگر است؟ یا تعارض ادله و ملاک حکم با یکدیگر؟ بررسی برخی موارد حاکی از آن است که فقیهان گاه درک صحیحی از موقعیت‌های تزامم ارائه نداده‌اند و موارد استثناء را به باب تعارض منتقل می‌کنند. درحالی که تفاوت این دو بسیار است و مهم‌ترین این تفاوت‌ها -چنان که در فصل اول بدان خواهیم پرداخت- آن است که تعارض در مرحله استنباط حکم و به دنبال تنافی ادله به وجود می‌آید درحالی که تزامم معنای دیگری دارد. البته باید توجه داشت یکی دیگر از مباحثی که در طول نوشتار مورد توجه قرار خواهد گرفت این است که مراد از تزامم، چه نوع تزاممی است؟ زیرا اصولیان از سه نوع تزامم نام برده‌اند: تزامم امثالی، تزامم ملاکی و تزامم حفظی. تزامم امثالی به معنای ممانعت از امثال دو حکم فعلی دارای ملاک است.^۱ در واقع به حالتی که دو حکم برای یکدیگر مزاحمتی ایجاد کنند، به گونه‌ای که نتوان به هر دو عمل کرد، تزامم می‌گویند.^۲ در این حالت مکلف باید بر طبق مرجحات باب تزامم عمل کرده و فعل راجح را انجام داده و مرجوح را ترک نماید. مهم‌ترین مرجحات باب تزامم تقدیم اهم بر مهم است؛ به این معنا که اگر حکمی دارای ملاک اهم باشد بر حکم دیگر ترجیح دارد و بلکه آنچه از دشواری مسئله می‌کاهد این است که اصولیان ترجیح به محتمل‌الاهمیه را هم کافی یافته‌اند.^۳

تزامم ملاکی بدان معناست که تنافی در وجود ملاکات واحد برای یک حکم مجعول است؛ مثلاً در یک فعل واحد جهت مفسده برای تحریم و جهت مصلحت برای وجوب هر دو وجود دارد که اجتماع این دو در موضوع یکسان محال بوده و منجر به تعارض می‌شود. نظر اکثر اصولیان آن است که

۱. صدر، محمدباقر، *بحوث فی علم الأصول*، ج ۳، ص ۶۶؛ مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الأصول*، ج ۳، ص ۴۶۳.

۲. ولایی، عیسی، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، ص ۱۳۹.

۳. خوئی، ابوالقاسم، *أجود التقریرات*، ج ۲، ص ۲۲۱؛ صدر، محمدباقر، *بحوث فی علم الأصول*، ج ۷، ص ۹۰؛ مظفر، محمدرضا، *أصول الفقه*، ج ۲، ص ۲۱۹.

در این نوع تزاحم وظیفه مولی است که عنایت خود را در این که کدام ملاک اقتضای قوی تری دارد مبذول دارد و حکم نهایی را صادر کند؛ زیرا تشخیص مقتضیات حکم در جعل حکم وظیفه مولی است نه عبد.^۱

در کنار این دو نوع تزاحم که میان اصولیان شهرت دارد، شهید صدر از تزاحم حفظی سخن می گوید. منظور ایشان از تزاحم حفظی وضعیتی است که دو موضوع متفاوت با یکدیگر دچار مزاحمت است به گونه ای که انجام یکی از آن ها موجب حفظ نشدن اغراض دیگر شارع است.^۲ به نظر شهید صدر این تزاحم میان احکام واقعی نیست و در جریان احکام ظاهری به وجود می آید؛ توضیح آن که در احکام واقعی با دو نوع دیگر تزاحم مواجهیم: یا شارع خود در جریان انشاء حکم واقعی میان ملاک ها تزاحم می بیند و جانب اهم را در مرحله اقتضا بر می گزیند و حکم را بر اساس آن اجرا می کند که این تزاحم ملاکی است و یا آن که دو حکم واقعی در مقام عمل و امتثال قابلیت جمع ندارند که این تزاحم امتثالی است؛ اما تزاحم حفظی آن جاست که جهل نسبت به حکم واقعی وجود دارد و ما آنچه از طریق ادله به دست می آوریم گمانی در آن وجود دارد که اشتباه و اختلاطی میان اغراض شارع به وجود آمده باشد و با انجام عمل، برخی اهداف شارع حفظ نگردد.^۳

با توجه به سه نوع تزاحم، هر یک از مسائلی که در فصل دوم مطرح می گردد، از ناحیه آن که چه نوع تزاحمی را می توان در آن بررسی کرد، تحلیل خواهد شد.

بنابر آنچه گفته شد گام اول نوشتار، تحلیل تفاوت هایی است که در رویکردهای مختلف نسبت به مسائل فقه سیاسی وجود دارد که در برخی از آن ها تزاحم شناسایی می گردد. می توان گفت ریشه تفاوت ها، به روش فقیهان در فرایندهای استنباط بازمی گردد و گرچه تزاحم - به ویژه تزاحم امتثالی و

۱. صدر، محمدباقر، *بحوث فی علم الأصول*، ج ۳، ص ۶۶؛ طباطبایی حکیم، محمدسعید، *المحکم فی أصول الفقه*، ج ۶، ص ۲۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۰۴.

۳. صدر، محمدباقر، *بحوث فی علم الأصول*، ج ۴، ص ۲۲۴.

حفظی)، موضوعی است که در مرحله پس از استنباط مطرح می‌گردد اما شناسایی زمینه‌های آن به مرحله استنباط و روش‌های فقیهان در اجتهاد از ادله باز می‌گردد. (تفصیل این موضوع در فصل دوم بیان گردیده است).

دوم؛ بررسی رویکرد فقیهان در علاج تزاخم. پس از تحلیل رویکردهای فقهی در شناخت عرصه‌های تزاخم، لازم است گام دوم تحقیق؛ یعنی راه‌های علاج تزاخم مورد بررسی قرار گیرد. این مهم نیز با تحقیق در رویکرد فقیهان قابل بررسی است و می‌توان ضوابط دقیقی را در این باره به دست آورد زیرا گرچه در کتاب‌های اصولی ملاک‌هایی برای حل تزاخم بیان شده است اما این ملاک‌ها دارای ابهامات فراوانی است که مطالعات عمیق‌تری را در این حوزه می‌طلبد.

به جهت آن که این گام‌ها به صورت عمیق و کاربردی طی شود تصمیم گرفتیم این تحقیق را در حوزه مشخصی صورت دهیم. این نوشتار موضوعات تحقیق را به مباحث فقه سیاسی و در حوزه کتاب مکاسب محرمة محدود کرده است که لازم است در این مجال توضیح مختصری راجع به هر یک داده شود:

فقه سیاسی علم به احکام شرعی فرعی مربوط به نظم عمومی در داخل و قواعد تنظیم روابط خارجی و بین‌المللی از روی دلایل‌های تفصیلی است.^۱ به عبارتی دیگر می‌توان گفت فقه سیاسی شاخه‌ای از فقه است که تکالیف شرعی زندگی سیاسی فرد مسلمان و آیین کشورداری را بر اساس منابع و ادله معتبر شرعی بیان می‌کند.^۲ گزارش‌هایی که در زمینه پیشینه فقه سیاسی وجود دارد بیان‌گر آن است که در قرون گذشته به عللی که مهم‌ترین آن نبود حکومت مستقل شیعی است، مباحث فقه سیاسی به صورت مدون مورد توجه فقها قرار نگرفته است؛ از این رو پژوهش‌گران معاصر، بازخوانی مسائل فقه سیاسی و موضوعات مرتبط با آن را از جمله نیازهای امروزی فقه امامیه می‌دانند. مسائلی که ریشه و اصول آن در تراث فقهی شیعه از اعصار متقدم وجود داشته؛ اما از زاویه فقه سیاسی به آن نگریسته نشده است.

۱. فقیهی، سید مهدی، شکوه کارآمدی فقه سیاسی، ص ۱۹.

۲. میراحمدی، منصور، درس گفتارهایی در فقه سیاسی، ص ۵۹.

از جمله این تراش فقهی موضوعات مکاسب محرمه است که از گذشته تا امروز مورد بحث و تحقیق فقیهان قرار گرفته است اما توجه به این موضوعات از جنبه رویکردهای فقه سیاسی به ندرت دیده شده است؛ حال آن که پیشرفت مباحث مکاسب محرمه از قرون متقدم تا امروز نشانگر ماهیت سیاسی برخی موضوعات آن بوده که فقیهانی چون امام خمینی (ره) به اهمیت آن پی برده و در راستای آن دیدگاه‌هایی را ارائه داده‌اند. (در نمونه‌ها اشاره خواهد شد.)

با توجه به این نکات، در نوشتار حاضر حوزه تحقیق را موضوعات مکاسب محرمه قرار دادیم و با توجه به پژوهش‌هایی که در زمینه فقه سیاسی صورت گرفته است، مسائلی را به عنوان مباحث فقه سیاسی از مکاسب محرمه استخراج خواهیم کرد که تحت عناوین ذیل واقع شود: حکومت، حقوق اساسی مردم (مانند آزادی، عدالت، امنیت و ...)، نهاد حسبه، برخی مسائل اقتصادی و مالی دولت (از قبیل خمس، زکات، اجرت از بیت‌المال)، پاره‌ای مسائل نظامی (مانند سلاح، بطانه، جهاد) و مسائل مرتبط با سیاست خارجی مانند: جهاد، هدنه و صلح.^۱

اینک برای روشن شدن مباحث فوق به نمونه‌هایی از عرصه‌های تزاخم که در موضوعات مکاسب محرمه اجمالاً جستجو و بررسی شده است می‌پردازیم:

مسئله بیست و ششم از نوع چهارم مکاسب حرام در کتاب مکاسب محرمه، مسئله ولایت از جانب سلطان جائر را بررسی می‌کند که ماهیتاً می‌توان آن را از مباحث فقه سیاسی به شمار آورد. فروع این بحث از منظر چندی از احکام و قواعد فقهی قابل تحلیل است:

أ- حرمت وهن حق و تقویت باطل: در روایت تحف العقول که راجع به اقسام مکاسب آمده است از دلایل حرمت ولایت جائر وهن حق و تقویت باطل شمرده شده است. از این رو فقها در اینکه حکم اولیه ولایت از جانب سلطان جائر، حرمت است به این دلیل اشاره کرده‌اند.

۱. ر.ک: شکوری، ابوالفضل، *فقه سیاسی اسلام*، ج ۱. صرامی، سیف‌الله، *حسبه یک نهاد حکومتی*، ص ۱۴۳؛ عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*. منتظری، حسین‌علی، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، ج ۱. میراحمدی، منصور، *درس‌گفتارهایی در فقه سیاسی*، ص ۱۵۷.

ب - حرمت اعانه به ظلم و اثم: این قاعده فقهی نیز که از قواعد شناخته شده در همه ابواب فقه و از جمله فقه سیاسی است، در این بحث به عنوان دلیل حرمت مورد بررسی قرار گرفته است.

ج - وجوب قیام برای مصالح بندگان: این قاعده نیز به عنوان قاعده مزاحم با حکم حرمت ولایت از جانب جائر مطرح شده است.

توضیح بیشتر: وجوب قیام برای مصالح بندگان از باب وجوب امر به معروف و نهی از منکر، از منظر فقها تحلیل شده است. در بحث ولایت برای سلطان جائر حکم وجوب قیام برای مصالح بندگان با دو حکم حرمت وهن حق و اعانه بر اثم تعارض ظاهری دارد. برخی فقیهان در این مسئله دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند و آن را در شمار عرصه‌های تزاخم به حساب آورده‌اند.

نمونه دیگر بحث حرمت بیع سلاح به دشمنان دین است. حکم این مسئله نیز مطابق روایات و دو قاعده حرمت وهن حق و تقویت باطل و نیز حرمت اعانه بر اثم و ظلم قابل تحلیل است؛ اما مطابق برخی روایات^۱ در شرایطی که دشمنان با مسلمانان در جهت از بین بردن دشمنی بزرگ‌تر باشند، بیع سلاح به ایشان جایز است و برخی فقها در این شرایط حکم به وجوب نیز داده‌اند. این مسئله مطابق قاعده مصلحت و حفظ نظام قابل تحلیل بوده و در شرایط تزاخم این قاعده با قواعد پیشین مطرح می‌شود.

مسئله حرمت حفظ کتب ضلال نیز از دیگر مسائلی است که می‌توان مورد توجه قرار داد. ابتدا باید گفت بحث کتب ضلال از دو جهت حیثیت سیاسی داشته و می‌تواند به عنوان مسائل فقه سیاسی مطرح شود. اولاً، از آن جهت که یکی از موضوعات فقه سیاسی حقوق اساسی ملت است که از جمله آن آزادی بیان و عقیده است. در بحث حرمت حفظ کتب ضلال از آن رو که این حق اساسی دچار چالش می‌گردد، می‌تواند مورد بحث قرار گیرد؛ علاوه بر این که یکی دیگر از موضوعات فقه سیاسی نهاد حسبه است که فقیهان از جمله وظایف آن را، نظارت بر امور منکر و رفع و دفع آن می‌شمرند. لذا در مواردی نیز از همین باب حکومت برای حفظ یا انهدام کتبی که در راستای ضلالت جامعه باشد قدم برمی‌دارد.

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۵، ص ۱۱۲.

فقها در زمینه این مسائل برای حل تراحم دیدگاه‌هایی را ارائه داده‌اند که در واقع نمایانگر راه‌حل‌های علاج تراحم و ارائه ملاک‌هایی کلی در این زمینه‌هاست.

در این راستا در فصل اول رساله، کلیاتی در سه مبحث بررسی شده‌است: مبحث اول، کلیاتی راجع به آرای اصولیان و فقیهان در بحث تراحم؛ مبحث دوم، موضوع شناسی و منبع شناسی فقه سیاسی با تکیه بر آثار گذشتگان و متون فقهی؛ مبحث سوم، مکاسب محرمة و ظرفیت‌های آن در مباحث فقه سیاسی. سپس فصل دوم به شناخت عرصه‌های تراحم در فقه سیاسی در حوزه تحقیق؛ یعنی مکاسب محرمة پرداخته‌است و در فصل سوم با تحلیل میان رویکردهای عملی فقیهان مباحثی از قبیل ضوابط شناسایی و ملاک‌های ترجیح اهم بر مهم، رویکرد فقیهان در ضابطه بخشی به ملاک اهم در مسائل فقه سیاسی و کاربرد بحث در مسائل معاصر فقه سیاسی، مطرح گردیده‌است.

۲. ضرورت تحقیق

ضرورت این تحقیق با چند مقدمه برای نگارنده ثابت شده‌است:

اولاً، پس از تحقیقات و مطالعات در زمینه فقه سیاسی که بارزترین نمود آن پایان‌نامه ارشد اینجانب با عنوان «کارکرد مقاصد شریعت در فقه سیاسی» بوده‌است، به این باور رسیده‌ام که یکی از خلأهای موجود در مطالعات فقه سیاسی، چالش‌هایی است که در زمینه تعارض یا تراحم مطرح است. لذا شناخت عرصه‌های تراحم و تفکیک آن از موارد تعارض و ... برای حل این گونه اشتباهات ضروری است.

ثانیاً، از آنجاکه یکی از کارکردهای مقاصد شریعت تشخیص معیار اهم و یا محتمل‌الاهمیه در عرصه تراحم است در همان تحقیق پیشین دریافتیم یکی از ضروری‌ترین مباحث فقه سیاسی شناخت و ارائه راه‌های علاج تراحم است تا بتوان از منظر آن به حل مسائل فقه سیاسی رسید.

ثالثاً، آنچه برای نگارنده جالب توجه بود در خلال مطالعه در مباحث مکاسب محرمة متوجه شدم فقهای ما در مسائلی که هویت سیاسی دارد به این موارد اشاراتی دارند که تحلیل رویکردهای ایشان یک گام مهم در راستای عمق‌بخشی به مطالعات فقه سیاسی است.

از این رو بر آن شدم به این تحقیق که هدف آن بررسی رویکردهای عملی فقیهان در شناخت و علاج عرصه‌های تزاخم است پردازم تا به استعانت الهی، هم گامی در راستای پیشبرد مطالعات فقه سیاسی گردد و هم با محور قرار دادن رویکردهای فقها در مکاسب محرمه، تراش فقه شیعه و ظرفیت‌های آن را به مخاطبان شناسانم. علاوه بر این که این پژوهش نگاه کارکردگرایانه و عملیاتی دارد؛ به گونه‌ای که مسائل فقه سیاسی که مورد بحث و تضارب آرا میان فقیهان بوده است، بررسی و روشن می‌شود و از طرح مباحث کلی اجتناب کرده که خود می‌تواند به‌عنوان ضرورت تحقیق مطرح گردد.

۳. پرسش‌های اصلی

۱. چه ضوابطی در شناسایی و علاج تزاخم باید مورد توجه قرار گیرد؟ فقیهان چه رویکردهایی اتخاذ کرده و با عنایت به چه معیارهایی به حل تزاخم کمر بسته‌اند؟

۴. پرسش‌های فرعی

۲. اختلاف فقها در علاج تزاخم بر سر چه ملاک‌هایی است؟
۳. چه رابطه‌ای میان تزاخم در مسائل فقه سیاسی و مقاصد شریعت وجود دارد؟
۴. چگونه می‌توان قواعد فقه سیاسی را برای شناخت جایگاه آن در عرصه‌های تزاخم سامان داد؟

۵. فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق

۱. وقوع تزاخم میان دو حکم اولی صورت می‌گیرد. این موضوع در عرصه مسائل فقه سیاسی بسیار اتفاق می‌افتد؛ زیرا نگرش حکومتی به فقه در بسیاری موارد موجب می‌شود که مصلحت حفظ نظام و سایر مصالح حکومتی در تزاخم با یک حکم واقع شود. شناخت عرصه‌های تزاخم در فقه سیاسی منوط به نگاه حکومتی به مسائل فقه سیاسی است. این موضوع با شناخت رویکردهای فقیهان در علاج تزاخم کامل می‌گردد که می‌توان رویکردهای متکی به نص، رویکرد متکی به نص همراه با نظارت مقاصد شریعت و رویکرد متکی به امور مهمه در تنظیم معیار مهم و مهم را مورد توجه قرارداد.

۲. چندین رویکرد میان فقیهان مطرح است، برخی اهمیت را بر پایه نسبت میان مسائل سنجده‌اند و محتمل‌الاهمیه را برای علاج تزاخم کافی می‌دانند، برخی فقها با نام بردن امور مهمه و تفکیک آن از